

بررسی فرم، نقش و تزئینات ابزارآلات جنگی عصر تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات*

الهه رضانزاد^۱، سیدماهیاری شریعت پناهی^۲

۱- دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی مشهد

۲- استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، (نویسنده مسئول)

چکیده

صنعت ساخت ابزارآلات جنگی از دیرباز یکی از هنرهای کهن در ایران زمین بوده است و در دوره تیموری شاهد نوعی تحول و دگرگونی در ساخت، فرم و به‌کارگیری نقوش در این صنعت هستیم. صنعتگران در این دوره چیره‌دستی و مهارت خود را با ساخت ابزار جنگی از جنس فولاد و تزئینات طلا به اوج کمال رساندند که بازتاب آن در نگارگری عصر تیموری جلوه‌گر شده است. هنر نگارگری بازتاب‌دهنده هنرها و صناعات مختلف دوره خویش است و به دلیل فقدان و کمبود ابزارآلات جنگی به‌جامانده از دوره تیموری بررسی و تحلیل آثار نگارگری، کمک شایانی به شناخت ویژگی‌های این ابزارآلات جنگی می‌کند. این پژوهش با گردآوری مطالب کتابخانه‌ای به روش توصیفی و تحلیلی و استخراج اطلاعات از نگاره‌های این دوره تلاش دارد به پاسخ این پرسش دست یابد که ابزارآلات جنگی در دوره تیموری دارای چه فرم، نقش و تزئیناتی از لحاظ هنری بوده‌اند؟ نتایج پژوهش بیانگر این است که هنرمندان صنعتگر در دوره تیموری، سبک پیشینیان را در ساخت ابزار جنگی، پشت سر گذاشتند و ابزارآلات جنگی با فرم‌های جدید و نقوش تزئینی زیبایی به وجود آوردند که تحول آن در نگارگری مکتب هرات مشهود است.

واژه‌های کلیدی: ابزارآلات جنگی، تیموری، نگارگری، مکتب هرات.

1. Email: elh.rezanejad@gmail.com

2. Email: mahyar.shariatpanahi@gmail.com

مقدمه

دوره تیموری یکی از ادوار باشکوه در تاریخ ایران زمین می‌باشد که هنرهای مختلف در سایه حمایت این خاندان به رشد و شکوفایی دست یافتند و شاهکارهای بی‌نظیر از این هنرمندی‌ها خلق شد که شکوه و جلال آنان نشان‌دهنده اوج و بلوغ و پختگی هنر در این دوره می‌باشد. صنعت ساخت ابزار جنگی از دیرباز یکی از هنرهای متداول در ایران بوده‌است که در سالیان متمادی راه تکامل را پیمود و به عصر تیموری رسید و با علاقه پادشاهان و شاهزادگان این خاندان به ساخت ابزار جنگی، آثاری باشکوه در این دوره پدید آمد که متأسفانه در رهگذر روزگار نابود شده‌است.

هنرمندان ایرانی پس از ثبات و آرامش حاصل‌شده در سایه حکومت تیموری از گوشه و کنار ایران پدیدار شدند تا قریحه ملی و نژادی خود را آشکار کردند. آنان از فلزاتی چون آهن، مفرغ، مس و برنج و طلا و نقره، اشیای تجملی و ابزارآلات جنگی ساختند که همگی نشانی از غنای ذوق و قریحه سازندگان دارد؛ اما به دلیل کمبود آثار برجای‌مانده از این دوره ابزارآلات جنگی کمتر مورد پژوهش قرار گرفته‌است. هنر نگارگری مکتب هرات یکی از بالنده‌ترین هنرهای این دوره می‌باشد که علاوه بر زیبایی نقش‌های مصور شده، از میان صفحات آن می‌توان به ویژگی‌های هنرهای گوناگون در دوره تیموری پی برد. در نگاره‌های عصر تیموری نمونه‌های بسیار ذی‌قیمتی در زمینه ابزار جنگی آن زمان می‌توان مشاهده نمود که بر اساس آن به شناخت بیشتری از تنوع ابزارآلات جنگی و تغییرات پدید آمده و تزئینات و نقوش آنان می‌توان دست‌یافت.

پژوهش حاضر سعی بر آن دارد که با بررسی منابع تاریخی و هنری، به اهداف این مقاله؛ یعنی معرفی ابزارآلات جنگی هم‌چنین شناسایی فرم و نقوش به‌کاربرده شده در این‌گونه ابزار در نگارگری این دوره، دست پیدا کند. در این پژوهش نخست به معرفی مکتب هرات و سپس به معرفی اجمالی ابزارآلات جنگی پرداخته‌شده و در ادامه ۷ نگاره از کتب مطرح نگارگری این دوره انتخاب شده و پس از آن به بررسی و تحلیل ابزارآلات جنگی از لحاظ فرم و نقش و تزئینات، در هر نگاره پرداخته‌شده‌است.

پیشینه پژوهش

تاکنون مطالعاتی در ارتباط با صنعت فلزکاری عصر تیموری صورت گرفته که در آن به‌صورت محدود درباره ساخت ابزار جنگی سخن به میان آمده‌است که می‌توان از هفت هزار سال هنر فلزکاری ایران اثر محمدتقی احسانی (۱۳۶۸) و شاهکارهای هنری ایران از آرتور پوپ (۱۳۸۷) نام برد که تنها به فلزکاری به‌صورت گذرا اشاره نموده‌اند. در کتاب هنرهای اسلامی دیوید الکساندر به تمامی ابزارآلات جنگی از قرون کهن تا قرن ۱۹-۱۸ میلادی پرداخته‌شده‌است. در هیچ‌کدام از این آثار به بررسی نگاره‌های مکتب هرات از منظر ابزارآلات جنگی پرداخته‌اند.

کتاب منوچهر مشتاق خراسانی (۲۰۰۹ م) با عنوان *lexi-con of arms and armor from iran* در زمینه ابزارآلات جنگی، به‌طور اختصاصی به مبحث شمشیر از دوره باستان تا دوره قاجار، براساس نمونه‌های برجای‌مانده در موزه‌های ایران پرداخته‌است. در مقاله «طبقه‌بندی فولاد جوهردار بر اساس نسخه‌های خطی» منوچهر مشتاق خراسانی (۱۳۸۹) فولاد به‌کاررفته در شمشیرهای ایرانی بر اساس نسخه‌های خطی را مورد بررسی قرار داده‌است.

در مقاله «بررسی ساختاری فولاد تاریخی موسوم به فولاد جوهردار یا فولاد موج نمای ایرانی» زهرا کارآمد و دیگران (۱۳۸۹) به بررسی شمشیر از منظر آلیاژ به‌کاربرده شده در آن پرداخته‌اند. محمدابراهیم زارعی و مریم دولتی نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تطبیقی پوشاک رزم براساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز» (۱۳۹۵) به تحلیل در زمینه لباس رزم پرداخته و دیگر ابزارآلات جنگی را مورد بررسی قرار نداده‌اند. هم‌چنین پایان‌نامه «مطالعه تطبیقی تزئینات سپر در نگاره‌های رزمی دو شاهنامه بایسنقری و طهماسبی» از سیده یاسمن لطفی‌زاده، به بحث در زمینه تزئینات و نقوش سپرها پرداخته‌است.

با بررسی کتب و مقالات، مشخص شد که پژوهشی مستقل در باب شناخت ویژگی‌های ابزارآلات جنگی در این دوره براساس تحلیل نگاره‌های مکتب هرات دوره تیموری صورت نگرفته‌است و این امر ضرورت انجام این مقاله را مشخص می‌نماید که با بررسی آن بتوانیم ابزارآلات متداول در دوره تیموری را

بازشناسی کنیم. در مجموع هفت نگاره از نسخ مصور شده از نگاره‌های این دوره انتخاب شده و بر اساس اولویت زمان ترسیم نگاره، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و منابع معتبر، هم‌چنین مراجعه به کتب نگارگری مکتب هرات و عکس‌برداری از آنان و سایت‌های اینترنتی صورت پذیرفته است. بر این اساس جامعه آماری انتخاب شده شامل ۷ نگاره با موضوع ابزارآلات جنگی است که شش نگاره متعلق به شاهنامه بایسنقری و یک نگاره متعلق به ظفرنامه تیموری است.

تیموریان حامی هنرهای باشکوه

با ظهور تیموریان و علاقه وافر آنان به هنرهای چون نگارگری، مکتبی پا به عرصه وجود گذاشت که تا مدت‌ها نگارگری ایرانی را تحت تأثیر زیبایی خیره‌کننده خود قرار داد. با مرگ تیمور در سال ۸۰۷ هـ.ق شاهرخ، دارالحکومه خود را در هرات بر پا نمود و به مدت چهل و دو سال فرمانروایی کرد (خواندمیر، ۱۳۵۳:۵۵۴) و هنرمندان دربار تیمور را از سمرقند به هرات منتقل نمود و به حمایت از هنرمندان و صنعتگران پرداخت و اولین جوانه‌های تحول نگارگری ایران را رقم زد و هنر نقاشی از سبک تقلید از گذشتگان به سوی شکوفایی مکتبی رفت که به مکتب هرات مشهور شد.

شاهرخ در سال ۸۱۵ هـ.ق حکومت هرات را به پسر خود بایسنقر میرزا سپرد و از آن‌پس فرمانروایی او بر هرات سبب تحولی عظیم در نگارگری ایرانی شد. شیفتگی و علاقه بایسنقر میرزا به هنر نگارگری و حضور هنرمندان چیره‌دست و خوشنویسی چون جعفر بایسنقری، کارهای ارزشمند و درخشانی را در هرات پدید آورد که از ویژگی‌های آن رنگ‌های درخشان و ترکیب‌بندی‌های پیچیده و پیکره‌های متعادل است (محمدی، ۱۳۶۰:۲۱۱). یکی از مشهورترین شاهکارهای خلق شده در دوره بایسنقر میرزا، شاهنامه فردوسی است که به مقدمه بایسنقری معروف شد. شاهنامه بایسنقری که در سال ۸۳۳ هـ.ق در کتابخانه بایسنقری تهیه شده، شامل ۲۲ تصویر

است که کتابت آن را جعفر تبریزی (جعفر بایسنقری) انجام داده است و امروزه در کتابخانه گلستان نگهداری می‌شود (ره‌نورد، ۱۳۸۶:۶۸). عصر بایسنقر میرزا را می‌توان دوران طلایی هنر ایرانی در رشته تهیه نسخ نفیس و فاخر دانست. نگارگران در مینیاتورسازی شیوه خاص ایرانی ابداع نمودند که برای چندین نسل سرمشق هنرمندان بعد از خود شد (پرایس، ۱۳۶۴:۱۲). بایسنقر میرزا شاهزاده‌ای که جان و روح او باهنر آمیخته شده بود، در سن ۳۵ سالگی به سال ۸۳۷ هـ.ق درگذشت (اسکندری، ۱۳۸۳:۲۰۱). بعد از مرگ شاهرخ درگیری در بین شاهزادگان تیموری بر سر قدرت آغاز گردید که پس از چندی سلطان حسین بایقرا بر تخت سلطنت نشست. یکی از باشکوه‌ترین دوره‌های فرهنگ و تمدن خراسان عصر تیموری دوره فرمانروایی سلطان حسین بایقرا، از بازماندگان عمر شیخ فرزند تیمور، بوده است. حکومت سی‌وهشت‌ساله او بر هرات یکی از درخشان‌ترین دوره‌های هنر و فرهنگ و ادب در ایران زمین بوده است (آژند، ۱۳۸۷:۱۸۲). هنرمندان از جمله نقاشان و خطاطان ماهر و متبحر با حمایت و ترغیب او به هرات جذب می‌شدند و این امر رونقی دوباره به کتابخانه سلطنتی که رو به افول گذارده بود، بخشید (همان: ۹۳). در این دوره اساتیدی هم‌چون استاد قاسم علی چهره‌گشا، ملاحاجی محمد، خواجه میرک نقاش و بزرگ‌ترین استاد نقاشی ایران و مشهورترین نگارگر عصر تیموری، استاد کمال‌الدین بهزاد، به خلق آثاری جاودانه پرداختند (دوغلان، ۱۳۸۳:۱۲۳).

سیستم نظامی در دوره تیموری

عصر تیموریان، سپاه از مهم‌ترین رکن‌های حاکمیت و اقتدار بود و بر اساس نظام دهدهی، سپاه قدرتمند و تعلیم‌دیده‌ای از ترکان ماوراء النهر شامل جغتائیان و تاتارها که ستون فقرات سپاه تیمور بودند پدید آمد (میرجعفری، ۱۳۸۱:۶۷). در این دوره گردآوری و آموزش سپاهیان بر عهده امیرانی بود که به تواجیان معروف بودند (فوربزمنز، ۱۳۹۳:۱۱۷). وارث تشکیلات و سازمان اجتماعی و نظامی مغولان در ایران تیموریان شدند و ارتش آن‌ها نیز همان سازمان را داشت. فرماندهان بزرگ ارتش خان‌ها و روسای قبایل (نویان‌ها) بودند. لشگریان به دو دسته سواره‌نظام و پیاده‌نظام تقسیم می‌شدند

در اسب‌سواری حین جنگاوری بوده است و سربازان جنگجو همواره اسب‌های سالم و تربیت شده و راهوار احتیاج داشتند، بدین جهت اسب و ساز و برگ آن همواره از غنایم مهم جنگی آن‌ها محسوب می‌شد (بیانی، ۱۳۸۲: ۳۵۸).

تجهیزاتی که در اختیار سربازان قرار می‌گرفت عبارت‌اند از: هر سوار دو یا سه کمان، سه تیردان پر از تیر، یک تبر، شمشیر نوک‌تیز، کلاه‌خود و سپرهایی که گاه از پوست تهیه می‌شد و نیزه‌های چنگک‌دار، برای به زیر کشیدن سواران دشمن داشت و بر بدن اسبان‌ها زره پوشانده می‌شد. در تزوکت تیموری در تزوک سامان و سرانجام سپاه آمده‌است: «اون باشیان هر یک خیمه و زرهی و شمشیری و ترکشی و کمانی و پنج سر اسپ با خود داشته‌باشد (تربتی، ۱۳۴۲: ۲۹۴). در این دوره به ورزش‌های رزمی از جمله کشتی، شکار، سوارکاری، تیراندازی و شطرنج که قابلیت بهره‌گیری نظامی داشتند بسیار توجه و از ترویج آن‌ها حمایت می‌شد (راعی گلوجه، ۱۳۸۴: ۷۵). سربازان مغولی در تیراندازی مهارت بسیاری داشتند؛ آنان در حال تاخت‌وتاز اسب به تیراندازی می‌پرداختند. در لشکر تیمور بسیاری از زنان به دلیل علاقه به جنگاوری حضور داشتند و با مردان جنگی در فنون نظامی رقابت می‌کردند و به سخت‌ترین کشتارها دست می‌زدند؛ حتی اگر آبستن بودند در جنگ‌ها شرکت می‌کردند و در حین لشکرکشی وضع حمل می‌نمودند و با کودک خود دوباره به‌سوی لشکر حرکت می‌کردند. در لشکریان او مردانی بودند که در سفر به دنیا آمده و به سن رشد رسیده و ازدواج کرده و فرزند آورده و روی وطن ندیده بودند (نوذری، ۱۳۸۹: ۳۰۷).

معرفی اجمالی ابزارآلات جنگی در دوره تیموری

با روی کارآمدن دولت تیموری، فلزکاری و به‌خصوص صنعت فولادسازی در ایران به اوج خود رسید. فولاد از جمله آلیاژهای مستحکم برای ساخت جنگ‌افزارها محسوب می‌شد و در طول دوران اسلامی نیز روزبه‌روز توجه فلزکاران را بیشتر به خود جلب کرده بود. به عقیده برخی از مورخین، دوره تیموری عصر شکوفایی صنایع و تسلیحات نظامی بوده است و صنعتگران چیره‌دستی خویش را در ساخت سلاح سرد از فولاد و طلاکوبی تیغه به‌خوبی نشان می‌دادند.

و نفرات هر دو بخش مانند عصر مغول به گروه‌های تومان، هزاره، صده و دهه قابل تفکیک بودند. در آغاز حملات مغولان به ایران سپاه آنان از قبایل گوناگون مغول تشکیل می‌شد؛ لیکن پس از فتوحات عناصر غیر مغولی وارد سپاه گردید؛ به‌گونه‌ای که در دوره تیمور لشکرهایی محلی شکل گرفت که نیروهای آن مردم بومی هر شهر یا ایالت بودند و به نام محل خویش خوانده می‌شدند؛ مانند لشکر خراسان، لشکر کرمان، لشکر قم (یزدی، ۱۳۳۳، ج ۲: ۱۵۳).

نحوه سربازگیری به هنگام جنگ چنین بود که ابتدا عناصر ورزیده از هسته مرکزی انتخاب می‌شدند و آن‌گاه تعدادی نیرو از اقوام و ملل گوناگون، تحت سلطه امرای محلی و سیورغال داران (مقامات عالی‌رتبه نظامی که مالک زمین‌های وسیع نیز بودند) قرار می‌گرفتند. بقیه افراد هم از طریق صدور یرلیغ (فرمان) سراسری سلطان مبنی بر بسیج قوا فراخوانده می‌شدند. تیموریان در جنگ‌های خود از تاکتیک‌های خاصی بهره می‌بردند. گاهی اوقات که فتح حصار شهر مشکل بود، در نزدیکی آن، برجی بلند می‌ساختند که به آن مجاور می‌گفتند. آن‌گاه یگان‌های ویژه از جمله سنگ‌اندازان و تیراندازان تجهیزات خود را بر بالای آن مستقر و شهر را مورد حمله بی‌امان قرار می‌دادند. در جنگ میان تیمور و پادشاه هند، لشکر هند با فیل‌هایی که همه با اسلحه مجهز شده بودند، وارد میدان نبرد شدند. تیمور تاکتیکی جنگی به کار برد؛ او بر پشت دسته‌ای شتر تندرو علف‌های خشک قرار داد و در هنگام جنگ علف‌ها را به آتش کشیدند و بدین‌گونه لشکر هند شکست خورد (کلاویخو، ۱۳۳۷: ۲۵۵).

لشکریان تیموری به هنگام جنگ در سه جناح جوانفار (چپ)، برانفار (راست) و قول (قلب) سازماندهی شده و شاه و فرمانده کل ارتش در قلب لشکریان قرار می‌گرفت. آن‌ها پس از صف‌آرایی‌های گوناگون برای آغاز نبرد موسیقی جنگی نواخته و جنگاوران غریو کشیده و سورن می‌نواختند؛ یعنی با نعره‌هایی چون «حمله» رعشه بر اندام دشمن می‌انداختند. آن‌ها پس از هر پیروزی نقاره شادمانه نواخته و گاه از سرهای کشته‌شدگان دشمن، مناره می‌ساختند و فتح‌نامه‌های خود را به وسیله ایلچیان مخصوص و پیک‌ها به اطراف و اکناف می‌فرستادند. عامل اصلی فتوحات تیموریان، ورزیدگی آنان

تیغه پهنی بودند. در دوره سلجوقی شمشیرها دارای انحنا بودند، اما در دوره تیموری شمشیرها به صورت صاف با تیغه نوک تیز ساخته می‌شد. ایران یکی از مهم‌ترین مراکز تولید تیغه شمشیرهای فولادی جوهردار بوده است (کارآمد، ۱۳۸۹، ص ۱).



تصویر ۱: شمشیر برجای مانده از دوره تیموری (موزه متروپلیتین، <http://www.metmuseum.org/art/collection>).

سپر: وسیله‌ای که جنگجویان برای محافظت خود از ضربه‌های تیر، نیزه، گرز و شمشیر از آن بهره می‌بردند و با دست چپ نگهداری می‌شد. در این دوره سپرها به اشکال دایره یا محدب یا به صورت مربع وجود داشت. سپرهای این دوره با تزئیناتی چون کنده‌کاری، به‌ویژه نقش برگ‌ها با طومارهای مارپیچ و نقوش هندسی، نشان از وجود این تزئینات تا قرن نهم هجری دارد (پوپ و اکرم‌ن ۱۳۸۷: ۲۹۶۸). در دوره تیموری با تزئینات بسیار زیبای سپرها در نگاره‌های این دوره مواجه می‌شویم.

تبر: ابزاری جنگی با دسته کوتاه و محکم از جنس فولاد (در برخی موارد از جنس چوب) است که در انتهای آن زائده محکم و تیزی به شکل مربع با خمیدگی قرار گرفته است که ضربات مهلکی بر دشمن وارد می‌نماید و باعث از هم گسستگی زره و کلاه خود سربازان می‌شده است. در مینیاتورهای دوره تیموری، سطح تبر فاقد تزئینات بوده است.

خنجر: خنجر کاردی بود با نوک خمیده و صاف با دو لبه برنده که از قمه جنگی کوچک‌تر بود و به دو صورت؛ دارای لبه صاف یا دندانه‌دار وجود داشت. در برخی صحنه‌های جنگ بر پهلوی فرماندهان خنجری با دسته‌هایی از جنس طلا بسته شده است.

گرز: سلاحی برای زخمی کردن دشمن و از هم گسستن زره دشمن بود که در نبردهای تن‌به‌تن مورد استفاده قرار می‌گرفت. گرزها را از جنس آهن، مس، برنز و مفرغ می‌ساختند سر گرز به اشکال مختلف در نگاره‌های دوره تیموری دیده می‌شود.

جنگ‌ها و درگیری‌های پیاپی درون و بیرون مرزها منجر به نیاز مبرم ایرانیان به جنگ‌افزار و اسلحه شده بود و این نیاز خود موجب رشد روزافزون این صنعت نزد ایرانیان شد. جنگ‌افزارهای تهاجمی و تدافعی ارتش تیموریان عبارت بودند از: شمشیر، تیر و کمان، نیزه، گرز، سپر، خنجر، جوشن، کلاه خود و کمند؛ هم‌چنین آلات و تجهیزات دیگری چون منجنیق، فلاخن، نردبان‌ها و آتش‌اندازها نیز در این ارتش وجود داشت. در ادامه به معرفی ابزارآلات جنگی در این دوره پرداخته می‌شود.

تیر و کمان: کمان را از ترکیب مسطح و باریک و محکم می‌ساختند و دو سرش را با زهی به هم وصل می‌کردند. زه کمان را از پوست گاو میش و یا از الیاف گیاهی و بعضاً از فلزات می‌ساختند. در اغلب مینیاتورها کمان در داخل کماندان قرار گرفته که در فارسی کمان‌چوله خوانده شده است (پورداوود، ۱۳۴۵: ۲۹). تیرها متشکل از سه قسمت: ۱- پیکان (نوک) تیر ۲- بدنه تیر ۳- انتهای تیر بوده است. نوک تیر یا پیکان را از سنگ چخماق می‌ساختند که با گذشت زمان به جای آن از فلزات و استخوان استفاده می‌کردند. پیکان علاوه بر سر تیر، بر سر نیزه نیز به کار برده می‌شد. بدنه تیر از ترکیب محکم و صاف ساخته می‌شد که در انتها برای این که حرکت مستقیمی داشته باشد، پر پرنده‌ای را نصب می‌نمودند. **نیزه:** نیزه را با دسته‌ای بلند و نوک تیز از جنس آهن و برنده می‌ساختند که به منظور حمله یا دفاع مورد استفاده قرار می‌گرفت. دسته‌های نیزه‌ها از جنس چوب بود؛ بدین سبب امکان پرتاب آن نیز وجود داشت (وارد، ۱۳۸۴: ۷۵). در نگاره‌های دوره تیموری شاهد نیزه‌های بسیار بلند در رنگ‌های مختلف با سرهای فلزی (نوک پیکان) به رنگ طلایی هستیم. **شمشیر:** مشهورترین ابزار جنگی شمشیر می‌باشد. در این دوره به‌مانند گذشته شمشیرهای خمیده به‌عنوان اسلحه ضربتی متداول نبوده؛ بلکه شمشیرهای راست با تیغه پهن مرسوم بود که در دسته آن نقش جنگ میان اژدها و عنقا، بر روی زمینه‌ای از شاخ و برگ پر شده با طلا، دیده می‌شود. (کونل، ۱۳۶۸: ۱۲۵). محل به دست گرفتن شمشیر را قبضه یا مشتته گویند. این شمشیر در بیشتر نگاره‌های عصر تیموری به چشم می‌خورد که با ورقه‌هایی از طلا تزئین شده است. در دوره‌های قبل شمشیرها با انحنا می‌بودند و دارای

می‌توان مشاهده نمود.

زره اسب: سواره‌نظام در این دوره برای محافظت از یاور ارزشمندشان، اسب، در جنگ‌ها زره‌های مخصوصی برای آنان می‌ساختند. زره اسب‌ها متشکل از سه بخش بود و پیشانی، گردن و سرین آن‌ها را می‌پوشانید. در نگاره‌های این دوره انواع مختلفی از زره‌ها با رنگ‌بندی متنوع و اندازه‌ها و برش‌های متفاوت بر روی اسب‌ها دیده می‌شود.

بررسی فرم و تزئینات ابزار آلات جنگی در دوره تیموری بر اساس هفت نگاره (شاهنامه بایسنقری، ظفرنامه تیموری)

نگاره ۱: به سلطنت نشستن جمشید (شاهنامه بایسنقری)
شاهنامه بایسنقری^۲ از شاهکارهای نگارگری دوره بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ تیموری، است. در این نگاره (تصویر ۲) بر تخت نشستن جمشید و ساخت ابزار آلات جنگی و کارگاه آن به زیبایی در تصویر نقش بسته است. فردوسی در شاهنامه درباره جمشید چنین می‌گوید:

نخست آلت جنگ را دست برد / در نام جستن به گردان سپرد
به فر کیی نرم کرد آهن/ا / چو خود و زره کرد و چون جوشنا
در قسمت بالای نگاره، دو مرد خیاط در حال برش‌زدن پارچه و دوخت و دوز هستند. قیچی سیاه‌رنگ خیاط با دسته‌ای گرد و بزرگ و تیغه‌های به نسبت کوتاه و میله‌ای فلزی با رده‌های طلایی که به احتمال زیاد وسیله اندازه‌گیری لباس است به چشم می‌خورد. مردی با آستین‌های بالا و بادبزی بزرگ در دست کوره آهنگری را روشن و داغ نگه می‌دارد. دو مرد در پایین نگاره در حال چکش‌کاری قسمتی از زره جمشید هستند. مرد آهنگر بر زمین نشسته و با چکشی در دست در حال طرح انداختن با میله‌ای بر روی قطعه‌ای از زره که بر روی چوبی ثابت شده است می‌باشد. در کنار مرد آهنگر، استاد دیگری با چکشی که سر ظریف و تیزی دارد، مشغول چکش‌کاری زره طلایی شاه می‌باشد. در کنار دست استاد آهنگر، جعبه‌ابزاری فلزی به رنگ سیاه و نقوش طلایی دیده می‌شود که داخلش به رنگ قرمز است و در آن تعدادی ابزار کار قرار دارد. این نگاره تصویری روشن از کارگاهی برای ساخت ابزار آلات جنگی و چگونگی تزئین ارائه می‌دهد. در

گزر مورد استفاده پیاده‌نظام بسیار باریک بود. سر گرزهای زره‌شکن، معمولاً سنگین و گل‌میخ‌دار بود که از این خاصیت برای کوبیدن و خرد کردن سپر یا زره دشمن استفاده می‌شد (پورداوود، ۱۳۴۵: ۲۳). در منابع تاریخی از گرز تیمور که به شکل سر حیوان بوده یاد شده است.

کلاه خود: سرپوشی بود که از فلز ساخته می‌شد و سر را از ضربات دشمن محافظت می‌نمود. کلاه خود می‌توانست دارای پلاک‌ها و قطعات فلزی برای محافظت بینی، گوش‌ها و گردن باشد. از این وسیله در همه ادوار استفاده می‌شده است (احسانی، ۱۳۸۶: ۸۹). کلاه خودها از دو مدل ساخته می‌شدند: ۱- کلاه خودهای کاسه‌ای که فقط ناحیه سر را محافظت می‌نمود. ۲- کلاه خودهایی که علاوه بر سرشانه، گوش‌ها و بینی را محافظت می‌نمودند. بدنه این کلاه خودها را با کتیبه‌ها و طرح‌های اسلیمی تزئین می‌کردند که این طرح‌ها را از تارهای سیمین ظریفی می‌ساختند. (کونل، ۱۳۶۸: ۱۲۵).

زره: لباسی از جنس پولاد برد که بدن را از صدمات انواع سلاح‌ها محافظت می‌نمود. حلقه‌های زره در این دوره معمولاً مقطع تخت و چهار گوش هستند و در آن سیم آهنی گرد هنوز به کار نمی‌رفت و حلقه‌ها را با پرچ محکم می‌کردند (پوپ و اکرم، ۱۳۸۷: ۲۹۶۲). در نگاره‌های تیموری دو طرح از زره به چشم می‌خورد ۱- زره‌های کوتاه با حلقه‌های درهم‌تنیده تا کمر ۲- زره‌های بلند با قطعات مستطیلی تا زیر زانو ۳- زره یک‌تکه فلزی تا کمر یا زانو.

جوشن: نوعی لباس جنگی با بالاپوشی بلند بود که از حلقه‌های آهنی درست می‌شد. تفاوت جوشن با زره در این بود که زره تمام حلقه و جوشن مرکب از حلقه و پاره‌های آهن بود (یوسفی، ۱۳۸۳: ۳۷۷). به قسمی از زره که از پولاد یا برنج ساخته می‌شد نیز زمبرک^۱ اطلاق می‌گشت (فریه، ۱۳۷۴: ۳۰۶).

ساق‌بند و زانوبند: ساق‌بند و زانوبند پوششی فولادین بود که برای محافظت از دست‌وپا در جنگ‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. در ساق‌بند، بندها از مچ دست تا آرنج امتداد داشت و زانوبندها روی زانو و ساق پا را محافظت می‌کرد و با بند چرمی در پشت محکم می‌شد (ذکاء، ۱۳۳۸: ۱۹۱). در نگاره‌های تیموری انواع مختلفی از ساق‌بند و زانوبند را

نبیند مگر دار یا بند و چاه/ نهاده به سر بر ز کاغذ کلاه
 کمانداران ایرانی تیرها را از چله رها می‌کنند و نیزه‌داران
 به‌سوی دشمن نیزه پرتاب می‌کنند و رستم با کمند پیچان
 خود در حمله‌ای برق‌آسا خاقان چین را از بالای فیل به زیر
 می‌آورد. در این تصویر سپاهیان ایرانی در بالای نگاره در
 فضای پشت کوه‌ها و تپه‌ها به تصویر درآمده‌اند. کلاه‌خودهای
 سربازان (تصویر ۵) حالتی گنبدی‌شکل و نوک‌تیز دارد و بر
 بالای میله آن پارچه‌ای رنگی خودنمایی می‌کند. حاشیه پایین
 کلاه‌خودها با نقوش هندسی تکراری^۳ تزئین شده و از انتهای
 کلاه‌خود، زنجیره‌های درهم‌تنیده شده تاروی سینه سربازان ادامه
 دارد و محافظی بلند و به‌احتمال زیاد چرمی، گوش‌های آنان را
 پوشانده‌است. در این نگاره سپاهیان بدون زره به با قباهای بلند
 به تصویر درآمده‌اند. در این نگاره رستم با کلاه‌خودی (تصویر ۶)
 متفاوت از سر حیوان و تزئین پر و در امتداد آن حلقه‌های فلزی
 که شانه‌ها و قسمتی از سینه او را پوشانده‌است و محافظی گوش
 او را در بر گرفته، دیده می‌شود. رستم زره رزم نپوشیده و تن‌پوش
 او قبای بلند با آستین‌های کوتاه می‌باشد. پاپوش سربازان ساده،
 به رنگ مشکی و بدون ساق می‌باشد.

نکته قابل تأمل در این نگاره ساق‌بندهای نقره‌ای‌رنگ بر دست
 سربازان است. ساق‌بندها (تصویر ۷) از دوتکه زیرین و رویین
 تشکیل شده‌است، تکه رویین بالاتر از آرنج و تکه زیرین پایین‌تر
 از آرنج می‌باشد که به‌احتمال زیاد این دوتکه در هم قفل می‌شوند.
 اسبان در ناحیه صورت با محافظ خمیده که بر روی آن نقوشی
 با پیچ و تاب‌های زیبای اسلیمی و گل‌های ظریف تزئین شده،
 مشاهده می‌شوند و بر روی بدن اسب پارچه‌های بلند نارنجی‌رنگ
 با تزئین آویز تا زانوی اسب امتداد دارد (تصویر ۸).



تصویر ۴: گرفتارشدن خاقان به دست رستم: شاهنامه بایسنقری، هرات، قرن نهم (مجموعه مینیاتورها و صفحات شاهنامه بایسنقری، ۱۳۷۰:۴۱).

این نگاره زره و کلاه‌خود جمشید به چشم می‌خورد. کلاه‌خود
 طلایی از نوع کلاه‌خودهایی است که با حلقه‌های فلزی ریز
 به‌هم‌بافته شده‌است که ناحیه گوش و گردن را حفاظت
 می‌کند و در میان کاسه کلاه‌خود میله‌ای فلزی قرار دارد. زره
 جمشید (تصویر ۳) از قطعات فلزی مستطیل‌شکل ساخته شده
 که اطراف آن برای نشان‌دادن موقعیت و شأن او طلاکاری
 شده‌است. به نظر می‌رسد قطعات طلایی‌رنگ ساخته شده، در
 انتها بر روی این زره نصب می‌شوند.



تصویر ۲: بر تخت نشستن جمشید، شاهنامه بایسنقری، (شاهکارهای نگارگری، ۱۳۸۴، ۸۴).



تصویر ۳

نگاره شماره ۲: گرفتارشدن خاقان به دست رستم
 (شاهنامه بایسنقری)

در برگی دیگر از شاهنامه بایسنقری (تصویر ۴) میدان
 جنگ بین سپاه ایران به فرماندهی رستم پهلوان و خاقان
 چین به زیبایی به تصویر درآمده‌است. در سپاه ایران رستم به
 سرداران و جنگاوران دستور می‌دهد که با شهامت و دلیری به
 جنگ سپاه چین بروند و قسم یاد می‌کند:

که گر نامداری از ایران‌زمین / هزیمت پذیرد زخاقان چین

به صورت حلقه‌های ریز بافته شده با زانوبندی مدور و خطوطی عمودی به شکل برگ گل با قبه‌ای کوچک و طلایی رنگ بر روی زانو و نوع دوم زانوبندی با صفحاتی مستطیل شکل باریک که در دو ردیف به صورت مورب در کنار هم قرار گرفته‌اند و در سر زانو قبه‌ای گرد قرار دارد. در دست سربازان شمشیرهای بلند و کشیده به رنگ نقره‌ای با دسته‌های مشکی و طلاکوب مشاهده می‌شود که به وضوح می‌توان تغییر در فرم ظاهری شمشیرهای عصر تیموری را با دوره گذشته (سلجوقی) که شمشیرها دارای انحنا زیاد و تیغه‌ای پهن بودند مشاهده نمود.



تصویر ۶



تصویر ۵



تصویر ۸



تصویر ۷



تصویر ۹: شبیخون زدن نستپهین و کشتن او: شاهنامه بایسنقری، هرات، قرن نهم (مجموعه مینیاتورها و صفحات شاهنامه بایسنقری، ۴۵:۱۳۷۰).



تصویر ۱۱



تصویر ۱۰

نگاره شماره ۳: شبیخون زدن نستپهین و کشته شدن او (شاهنامه بایسنقری)

نستپهین برادر پیران و از درباریان و بزرگان توران زمین است که به قصد شبیخون به سپاه ایران، شبانه جنگاوران خود را تجهیز می‌کند. دیدبانان سپاه به گودرز، فرمانده بزرگ ایران، خبر شبیخون را می‌رسانند و آنان آماده جنگ با سپاه توران می‌شوند (تصویر ۹). در (تصویر ۱۰) تعدادی از سربازان در پشت کوه کلاه‌خودهای کاسه‌ای به شکل مخروطی و حائلی فلزی بر روی گوش با میله‌ای کشیده در میانه کلاه و پرچمی سه‌گوش و هم‌چنین کلاه‌خودهایی با حلقه‌های ریز فولادی که سراسر گوش‌ها و ناحیه پشت گردن را پوشش می‌دهد بر سردارند. کلاه‌خودها با دورنگ قهوه‌ای و نقره‌ای با نقوش هندسی خودنمایی می‌کنند. در این نگاره، سربازان بدون زره با پیراهن‌های بلند و آستین‌های کوتاه به رنگ‌های سبز، زرد، آبی به تصویر درآمده‌اند. در (تصویر ۱۱) زره سرباز سوار بر اسب با حلقه‌های درهم‌تنیده از زیر پیراهن نمایان است و به نظر می‌رسد دیگر سربازان نیز زره‌های خویش را زیر پیراهن بر تن نموده‌اند که در تصاویر به تصویر نیامده است. در این نگاره دو نوع زانوبند بر پای سربازان به چشم می‌خورد؛ نوع اول

در این نگاره (تصویر ۱۲) سپر با فرمی گرد و نقوش ربعی^۴ با گل‌ها و برگ‌های ظریف در میان سپر قبه‌ای نقره‌ای رنگ با

نگاره شماره ۴: نامه نوشتن زال به سام و احوال نمودن

زال (تصویر ۱۵)، پهلوان ایرانی و دست‌پرورده سیمرغ، دل در گروی عشق رودابه دختر مهرباب شاه کابلی دارد او برای اذن گرفتن از پدرش سام، کاتبی را فرامی‌خواند و شرح دلدادگی خود را بیان می‌نماید. نامه او به همراه شهسواری تیزرو، به دست سام پهلوان می‌رسد. سام با خواندن نامه فرزند، در اندیشه فرو می‌رود و موبدان و منجمان را برای پیش‌گویی آینده او، به خدمت خود دعوت می‌نماید. در این نگاره سام در شکارگاه سوار بر اسب و کمان به دست در حال تیراندازی است. کمان به رنگ قهوه‌ای با زهی کشیده که در قسمت بالایی کمان با زائده‌ای طلایی تزئین شده‌است دیده می‌شود (تصویر ۱۶).

سوارکار اسب سیاه، با گریزی نقره‌ای‌رنگ و پولادین (تصویر ۱۷) با قدرت بر فرق پلنگ می‌کوبد. گرز با دسته‌ای بلند و کشیده، با برش‌های ظریفی در قسمت میانه و سری گرد با زائده‌ای قبه‌مانند همراه شده‌است. نکته قابل‌تأمل، تزئینات نقش بسته بر روی گرز است. در میان گرز گلی کشیده شده و هشت پر که در حاشیه لبه‌های تیز گل با نیم‌دایره‌ای تزئین شده‌است قرار دارد. تیمور در هنگام سان‌دیدن از سربازان خود گرسی با سر گاو به همراه داشته‌است و در ایران باستان انواع مختلف گرز مرسوم بوده‌است. تیردان‌های این نگاره بیشتر به‌صورت استوانه‌هایی به رنگ سبز و قهوه‌ای است که با نقوش اسلیمی و گل‌بوته‌های ختایی تزئین شده‌است. شمشیرهای این نگاره نیز به‌مانند تصاویر گذشته، کشیده، بلند و صاف با قبضه‌ای طلایی تصویر شده‌اند.



تصویر ۱۵: نامه نوشتن زال به سام و احوال نمودن، شاهنامه بایسنقری، هرات، قرن نهم (مجموعه مینیاتورها و صفحات شاهنامه بایسنقری، ۱۳۷۰: ۲۹).

خطوط عمودی به چشم می‌خورد. در پشت سپر پارچه‌های قهوه‌ای‌رنگ به‌صورت ضربدر قرار گرفته که محل قرارگرفتن دست سربازان است. پرچم‌ها با میله‌ای بلند به رنگ قهوه‌ای و پارچه‌های منقش به گل چهار و شش پر که در میان صفحات فلزی آن کلمه (یا الله) نقش بسته‌است، نشان داده شده‌اند. کارنای یا کرنا مرکب از کریکار به معنای جنگ و نای، یعنی نای جنگی که بوقی دراز است و در قدیم هنگام جنگ استعمال می‌نمودند، در این نگاره در دست سربازان دیده می‌شود. زره اسبان در این نگاره به رنگ‌های بنفش، زرد و عنابی به تصویر درآمده‌است. در این نگاره دو نوع زره اسب را می‌توان مشاهده نمود؛ نوع اول با قطعات مربع‌شکل و پرچ‌های به هم متصل شده که گردن و پشت و پهلوئی حیوان را پوشانده و بر روی صورت نیز محافظی از دو قسمت متصل به هم با نقوش گل‌های ختایی که در کنار آن آویزی فلزی به رنگ طلایی با ریشه‌های سفیدرنگ به تصویر درآمده‌است قرار دارد (تصویر ۱۳). نوع دوم با قطعاتی کوچک به شکل مستطیل و با انحنایی کم در چندین ردیف به رنگ نقره‌ای و حاشیه‌ای هندسی به رنگ طلایی در قسمت پشت گردن و پایین زره اسب به چشم می‌خورد (تصویر ۱۴). در دوره تیموری قرن نهم زره اسب با دگرگونی و تحولی نسبت به دوران گذشته همراه بوده‌است. زره‌ها با صفحات چهارگوش یا زنجیره‌هایی درهم‌تنیده برای محافظت از حیوانات ساخته می‌شدند و بر روی صورت هم محافظی با نقوش اسلیمی قرار می‌دادند.



تصویر ۱۳

تصویر ۱۲



تصویر ۱۴



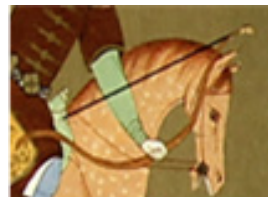
تصویر ۲۰



تصویر ۱۹



تصویر ۱۷



تصویر ۱۶



تصویر ۲۱

نگاره شماره ۶: قتل سیاوش

سرباز (تصویر ۲۲) درحالی که خنجری با تیغه مشکی و انحنای کم و دسته‌ای طلایی در دست دارد مشغول سربردن سیاوش می‌باشد. در این نگاره کلاه‌خودها به رنگ طلایی با حاشیه‌ای باریک و میله‌ای فلزی بر بالای قبه و نوار قرمز به تصویر درآمده‌اند. در برخی کلاه‌خودها (تصویر ۲۳) دو طرف کلاه دو برش فلزی نیم‌دایره‌ای بر روی هم گوش را محافظت می‌کند و از زیر کلاه پارچه‌ای مشکی‌رنگ به صورت مقنعه سر و گردن و مقداری از سینه را پوشانده است. سپرهای دست سربازان به صورت مدور با نقوش هندسی^۵ و اسلیمی ترسیم شده است. در این نگاره نیزه‌های بلند با نوک پیکان، طلایی با پرچم‌های رنگی کوچکی در قسمت پایین پیکان، تزئین شده است. در سمت راست نگاره سرباز درحالی که گرز (تصویر ۲۴) با دسته‌ای بلند به رنگ سفید و زائده‌های چند پر و کشیده به صورت تیز و به رنگ طلایی و برآمدگی در میان به چشم می‌خورد. پای پوش سربازان چکمه‌های بلند با مقداری پاشنه به رنگ مشکی و آبی است و در این نگاره سربازان ساق‌بندی به پا ندارند.

نگاره شماره ۵: خوان اول اسفندیار و کشتن گرگ‌ها

زره اسفندیار در (تصویر ۱۸) تفاوت چشمگیری در سبک و فرم ساخت و همچنین نقوش تزئینی با دیگر زره‌های تحلیل شده دارد. کلاه خود طلایی‌رنگ به سبک کاسه‌ای (تصویر ۱۹) با حاشیه تزئینی باریک به صورت مثلثی (هفت) در قسمت بالای کلاه نمایان است و دیگر خبری از میله‌ای بلند و پرچم نیست و فقط زائده‌ای پهن و کوتاه دیده می‌شود. زره طلایی از سه تکه جداگانه تشکیل شده است؛ ساق‌بند دست، (تصویر ۲۰) به همان فرم سابق به دست بسته شده است. قسمت بازو و کتف (تصویر ۲۱) با زرهی از برش‌های مستطیل شکل طلایی و کشیده با انحنایی بر روی بازو به پشت رفته است. قسمت بالاتنه زره در جلو به صورت نیم‌تنه‌ای بلند تا پایین زانو با قطعات مستطیلی و نقوش ظریف هندسی به شکل لوزی و مثلث و نقوش گیاهی به صورت برگ که در قسمت سینه نیم‌دایره‌ای کوچک است به چشم می‌خورد. قسمت پشت تا پایین کمر امتداد دارد و در ناحیه کمر قسمتی جداگانه از زره دیده می‌شود که به احتمال زیاد برای چالاک‌ی سرباز در جنگ به صورت جداگانه وصل شده است. این زره نشان از مهارت فلزکاران در زمینه ساخت و تزئین زره در این دوره دارد.



تصویر ۱۸: خوان اول اسفندیار و کشتن گرگ‌ها، شاهنامه بایسنقری،

هرات، قرن نهم، (موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۹۱).

کلاه خود به رنگ مشکی است با تزئینات پهن طلایی، که در قسمت جلو و پشت کلاه دو پایه فلزی طلایی پره‌های بلند و رنگی کلاه را نگه می‌دارند و زنجیرهای درهم‌تنیده مانند مقنعه صورت او را در بر گرفته‌اند و در انتهای میله اصلی کلاه، پر سیاه و سفیدی بر شکوه کلاه خود او افزوده است. زانوبند فلزی یک‌تکه او در قسمت زانو، قبه‌ای طلایی‌رنگ به صورت گل دارد که در میان دایره‌ای مشکی دیده می‌شود. تیردان، کمر بند و خنجر تیمور به رنگ طلایی است و با جواهرات تزئین شده است. کمان‌ها به رنگ طلایی و تیرها به رنگ سفیدند که در انتهای آن‌ها پره‌های سیاهی نصب شده است. شمشیرهای به کاررفته در این نگاره تغییری در فرم و سبک خود با دیگر نگاره‌ها ندارند اما نیزه‌ها بلندتر از دیگر نمونه‌های خود در این دوره هستند. زره اسبان به همان فرم دیگر زره‌های نقش بسته در نگاره‌ها هستند اما اختلافات جزئی در نوع تزئین آن به چشم می‌خورد. بر روی برخی زره اسبان، گل‌میخ‌های پنج و شش‌پر طلایی‌رنگ دیده می‌شود. در این نگاره با تنوع کلاه‌خودها در نقوش و تزئینات همراه هستیم که نشان از ظرافت و مهارت استادکاران دارد (تصویر ۲۸). پای‌پوش سربازان ساده و بدون پاشنه به رنگ مشکی است و زانوبندها به رنگ مشکی و قطعات مستطیل شکل با حاشیه‌ای طلایی و قبه‌ای طلایی با خطوط عمودی در تصاویر نقش بسته است.



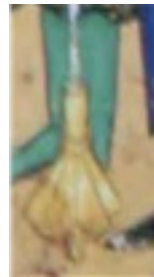
تصویر ۲۵: میدان نبرد تیمور و سلطان مصر، ظفرنامه تیموری، هرات،

قرن نهم (موزه هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۹۱).



تصویر ۲۲: قتل سیاوش، شاهنامه بایسنقری، هرات، نهم: (موزه

هنرهای معاصر، ۱۳۸۴: ۴۵).



تصویر ۲۴



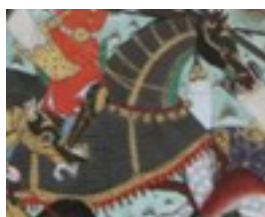
تصویر ۲۳

نگاره شماره ۷: میدان نبرد تیمور و سلطان مصر

(ظفرنامه تیموری)

در این نگاره (تصویر ۲۵) در فرم و تزئینات کلاه‌خودها و زره سربازان شاهد تغییراتی هستیم. در بالای نگاره، سرباز در حالی که شیپور جنگ را می‌نوازد، کلاه‌خودی به رنگ مشکی با حاشیه تزئینی طلایی بر سر دارد و پارچه‌ای مشکی با حاشیه طلایی به پشت سر رفته‌است که حالت گنبدی کلاه کشیده‌تر می‌شود و در بالای آن میله‌ای فلزی که در انتهایش قبه‌ای طلایی قرار دارد به چشم می‌خورد. در این نگاره کلاه‌خودهای مختلفی دیده می‌شود که اختلاف آن در قسمت محافظ گوش و پره‌های به کاررفته بر بالای میله کلاه خود است. در این نگاره سربازان زرهی بر تن ندارند و فقط محافظ دست، به رنگ مشکی و مخروطی شکل با حاشیه‌ای طلایی که در میان ساق‌بند دست با نقش‌های طلاکوبی تزئین شده است دیده می‌شود.

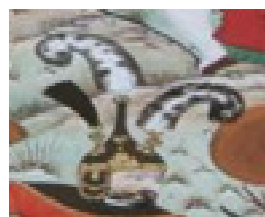
تیمور (تصویر ۲۶) کلاهی بسیار زیبا و با بهت بر سر دارد.



تصویر ۲۸



تصویر ۲۷



تصویر ۲۶
















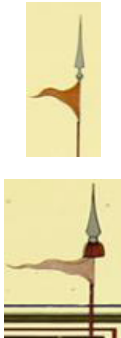

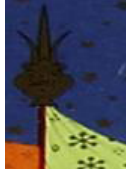




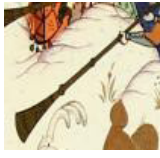
جدول ۱: فرم و طرح پوشش نظامی در دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان).

کلاه خود با تزئین سر حیوان و پرچم، محافظ با قطعات مستطیلی	کلاه خود مخروطی با محافظ گوش و پرچم	کلاه خود با محافظ زنجیره‌ای و تزئین پر، محافظ گوش	کلاه خود با سر حیوان	کلاه خود با زنجیره‌های مشکی، محافظ گردن و گوش	کلاه خود با زنجیره و پرچم و محافظ گوش	
						کلاه خود
کلاه خود کاسه‌ای با میله کوتاه و نوار باریک و مقنعه	کلاه خود مشکی با میله‌ای بلند، پوشش محافظ گوش، گردن جلو باز، طلاکوبی	کلاه خود با تزئین هندسی و پر، طلاکوبی	کلاه خود با طلاکوبی و تزئین پر، میله‌ای بلند، محافظ گوش دولایه و مقنعه	کلاه خود کاسه‌ای با محافظ گوش فلزی و مقنعه	کلاه خود با محافظی از قطعات فلزی مستطیلی، پرچم	
						
			زره با حلقه‌های درهم تنیده	زره بلند و یک تکه با برش‌های مستطیلی	زره دوتکه بلند، سردوش و نیم تنه، برش‌های مستطیلی	
						زره
			محافظ طلائی، دوتکه	ساق بند دوتکه، نقره‌ای، نیم دایره روی دست	ساق بند دوتکه، نقره‌ای، میج دار	

						ساق بند
		زانو بند، یک طرفه، قطعات مستطیلی، طلاکوبی	زانو بند دو طرفه، طلایی، یک تکه	زانو بند دو طرفه، قطعات مستطیلی،	زانو بند حلقه‌ای، یک طرفه،	
						زانو بند

جدول ۲: ابزار آلات جنگی در دوره تیموری (مأخذ: نگارندگان).

					شمشیر و خلاف
					کمان و تیر
					نیزه
					گرز
					خنجر

					سیر
					
جدول ۳: ابزارآلات جانبی جنگ (مأخذ: نگارندگان).					
					تیردان
					پرچم و نشانه
					ششپور

بررسی فرم، نقش و تزئینات ابزارآلات جنگی عصر تیموری و بازتاب آن در نگاره‌های مکتب هرات

نتیجه‌گیری

دوره تیموری عصر پیشرفت صنعتگران در حوزه ساخت ابزارآلات جنگی بوده است و این تحول و دگرگونی در فرم، سبک و تزئینات در نگاره‌های این عصر به زیبایی نقش بسته است. نگاره‌های این دوره در بطن خویش مهارت فلزکاران در ساخت ابزار جنگی را به زیبایی جلوه‌گر می‌سازند و هنرمندان نگارگر تمامی اجزا و عناصر ابزارآلات جنگی را با دقت

کم‌نظیری در صحنه‌های جنگ به تصویر کشیده‌اند. با بررسی و تحلیل نگاره‌ها در این دوره سه فرم از زره‌های آن دوره را می‌توان مشاهده نمود؛ اول زره‌های با حلقه‌های درهم‌تنیده که تا نیمه زانوان سربازان امتداد دارد؛ دوم زره‌های با صفحات فلزی مستطیل‌شکل و کشیده به صورت نیم‌تنه‌ای که با نقوش زیبای هندسی مزین شده‌است و سوم زره‌های با صفحات مستطیلی به صورت یک‌تکه تا زیر زانو که گویای تنوع در

جهان گشود (حافظ ابرو، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱)، از نفیس‌ترین کتب نگارگری عصر بایسنقر میرزا شاهنامه بایسنقری می‌باشد. این نسخه در سال ۸۳۳ هـ ق در کتابخانه بایسنقری تهیه و شامل ۲۲ تصویر است که کتابت آن را جعفر تبریزی (جعفر بایسنقری) انجام داده است و امروزه در کتابخانه گلستان نگهداری می‌شود (رهنورد، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

۳. نقوشی که در آن یک یا چند جزء به صورت تکرار در کنار هم قرار می‌گیرند و یک طرح کلی را تشکیل می‌دهند. الگوی اصلی این طرح را «واگیره» می‌نامند. (ندیم، ۱۳۸۶: ۱۶).

۴. به نقوشی که دو محور تقارن دارند و با تکرار چهارگانه آن می‌توان کل نقش را به دست آورد. انواع ترنج‌ها، شمشه‌ها و نقشه‌های چون لچک ترنج به این شیوه طراحی می‌شوند. (ندیم، ۱۳۸۶: ۱۵).

۵. نقوش هندسی از مهم‌ترین عناصر تزئینی در هنر ایران می‌باشند. تنوع بی‌حد طرح‌ها (طرح‌های ساده، طرح‌های پیچیده) سبب کاربرد آن در هنر ابزارآلات جنگی شده است. مهم‌ترین نقوش هندسی از ترکیب یک دایره اصلی و چند دایره و یک چند ضلعی فرعی به دست می‌آیند. در هنر فلزکاری نقوش هندسی معمولاً با دیگر نقوش اسلیمی و ختایی ترکیب می‌شوند و نقشی زیبا را رقم می‌زنند. بر روی سپرهای این نگاره ترکیب نقوش هندسی و اسلیمی و گل و برگ‌های ختایی و رنگ‌های آبی لاجوردی، طلایی و قرمز را می‌توان مشاهده نمود.

۶. شرف‌الدین علی یزدی در قرن ۸ هـ ق به دستور ابراهیم سلطان در شیراز کتاب ظفرنامه تیموری را که به نقل زندگی تیمور می‌پردازد به مدت چهار سال به رشته تحریر درآورد. این نسخه از ظفرنامه به قطع رحلی کوچک شامل ۷۵۰ صفحه به قلم نستعلیق و به خط استاد سلطان محمد نور به سال ۹۳۵ هـ ق کتابت شده است. این نسخه با ۲۴ نگاره از مراسم درباری و رزم آراسته شده است. نسخه این کتاب در کاخ موزه گلستان نگهداری می‌شود.

فهرست منابع

• آژند، یعقوب. (۱۳۸۷). مکتب نگارگری هرات. تهران: فرهنگستان هنر.

صنعت ساخت ابزار جنگی در این دوره می‌باشد. کلاه‌خودهای فولادی نیز در نگاره‌های این دوره به چند صورت به تصویر درآمده است؛ اول فرم ساده که فقط کاسه سر را در برمی‌گیرد؛ دوم کلاه‌خودهای طلایی با زنجیره‌های درهم‌بافته تا روی شانه، مزین به نقوش هندسی با میله‌های بلند، پرچم‌های رنگی، پرهای سفید و دسته‌های ابریشم؛ سوم کلاه‌خودهای کوزه‌ای شکل با تکه‌کاری‌های طلایی و پرهای سفید و سیاه؛ چهارم کلاه‌خودهای کاسه‌ای با میله کوتاه و پارچه‌ای سیاه به سبک مقنعه که بر سر سربازان خودنمایی می‌کند. شمشیرهای به تصویر درآمده تفاوتی آشکار با دوره‌های قبل دارد و فرم پهن و خمیده گذشته، در این دوره به صورت صاف و باریک با دسته‌های طلاکوبی شده و نقش‌هایی از حیوانات اساطیری به چشم می‌خورد. سپرهای این دوره به صورت مدور با نقوش اسلیمی و ختایی و گل‌میخ‌های فلزی در وسط به رنگ طلایی و مشکی مزین شده‌اند که نشان‌دهنده تأثیر هنر نگارگری بر صنعت ساخت ابزارآلات جنگی در عصر تیموری است. سپرها به صورت مدور، مانند گذشته به تصویر درآمده است؛ اما نقش‌های هندسی و ختایی و اسلیمی به صورت گسترده بر روی آنان نقش بسته است. در نگاره‌های عصر تیموری گرزهایی با طرح‌های مختلف هم‌چون سر حیوانات، گرزهای به سبک گرد و تخم‌مرغی شکل با نقوش گل‌های پنج‌پر، دایره‌هایی به رنگ طلایی و سفید در نگاره‌ها مشاهده می‌شود. زره اسبان در این دوره با رنگ‌های متنوعی چون قرمز، نارنجی و نقره‌ای با قطعاتی چهارگوش و پرچم‌هایی فلزی و آویزهایی منگوله‌ای شکل تزئین شده‌اند که این امر تا قبل از دوره تیموری به این صورت گسترده نبوده است. تصویر ابزارآلات جنگی در این نگاره‌ها مهر تأییدی بر تنوع و پیشرفت ابزارهای رزم ایران در دوران تیموری می‌باشد که نقش مهمی در شناخت تاریخ هنر و فرهنگ و تمدن ایران اسلامی می‌تواند ایفا نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. zembrek.

۲. میرزا غیاث‌الدین ملقب به بایسنقر بهادر خان، پسر شاهرخ و ملکه گوهرشاد خاتون، در سال ۷۹۹ در هرات چشم به

- احسانی، محمدتقی. (۱۳۶۸). هفت هزار سال فلزکاری در ایران. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اسکندری، علی‌جان. (۱۳۸۲). «بایسنقر میرزا فرزند ملکه گوهرشاد آغا؛ بانی هنر در کتابت، بازوی پدر در سیاست»، مشکوه، شماره ۸۴-۸۵، ص ۱۹۹-۲۰۷.
- بیانی، سوسن. (۱۳۸۲). گفتاری در مورد فلز و فلزکاری و باستان‌شناسی. تهران: گروه باستان‌شناسی: دانشگاه تهران.
- پرایس، کریستین. (۱۳۸۶). تاریخ هنر اسلامی. مترجم: مسعود رجب‌نیا. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پژوهش از دانشگاه کمبریج. (۱۳۷۸). تاریخ ایران دوره تیموریان. مترجم: یعقوب آژند. تهران: جامی.
- پوپ، آرتور و اکرم، فیلیس. (۱۳۸۷). سیری در هنر ایران از دوران پیش‌تاریخ تا به امروز. ج ۶. فرش‌بافی و فلزکاری، هنرهای فرعی، آرایه‌ها و موسیقی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پورداوود، ابراهیم. (۱۳۴۵). زین ابزار (برگی از تاریخ سلاح در ایران). بررسی‌های تاریخی. شماره ۲ و ۱.
- تربتی، ابوطالب حسینی. (۱۳۴۲). تزوکیات تیموری. تهران: کتاب‌فروشی اسدی.
- حافظ، ابرو. (۱۳۸۰). زبده التواریخ. مترجم: حاج سید جوادی. ج ۱. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین الحسینی. (۱۳۵۳) حبیب السیرفی اخبار افراد بشر. به کوشش محمد دبیر سیاقی. ج ۴. تهران: خیام.
- دوغلات، حیدر میرزا. (۱۳۸۳). تاریخ رشیدی. تصحیح عباس قلی غفاری‌فرد. تهران: میراث مکتوب.
- راعی گلوجه، سجاد. (۱۳۸۴). «تحول آموزش نظامی در ایران در دوران اسلامی (از قرن اول هجری تا پایان قاجاریه)»، سیاست دفاعی، شماره ۵۰، ص ۶۰-۳۱.
- رهنورد، زهرا. (۱۳۸۶). تاریخ هنر در دوره اسلامی: نگارگری. تهران: سمت.
- زارعی، محمدابراهیم؛ دولتی، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی تطبیقی پوشاک رزم براساس مطالعه نگاره‌های نسخ خطی در مکاتب هرات و تبریز»، نگره، شماره ۴۴، ص ۸۳-۷۱.
- زکاء، محمدحسن. (۱۳۳۸). تاریخ نقاشی در ایران. مترجم: ابوالقاسم سحاب. تهران: چاپ دانش.
- موزه هنرهای معاصر. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: نشر موسسه توسعه هنرهای تجسمی معاصر و موزه هنرهای معاصر تهران.
- شیبانی، ژن رز فرانسواز. (۱۳۸۴). سفر اروپاییان به ایران. مترجم: سید ضیاء‌الدین دهشیری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). هنرهای ایران. مترجم: پرویز مرزبان. تهران: نشر فرزاد.
- فوربزمنز، بثاتریس. (۱۳۹۳). قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری. مترجم: اکبر صبوری. تهران: پارسه.
- کارآمد، زهرا؛ گل‌داز، محمدعلی؛ مشتاق خراسانی، منوچهر؛ اعتضادی، میترا. (۱۳۸۹). بررسی ساختاری فولاد تاریخی موسوم به فولاد جوهردار یا فولاد موج‌نمای ایرانی، چهارمین همایش مشترک انجمن مهندسیین متالورژی و جامعه علمی ریخته‌گری ایران. تهران: دانشگاه علم و صنعت ایران. انجمن علمی ریخته‌گری ایران. www.Civilica.com
- کلاویخو، گونزالس. (۱۹۹۷). سفرنامه کلاویخو. مترجم: مسعود رجب‌نیا. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کونل، ارنست. (۱۳۶۸). هنر اسلامی. مترجم: هوشنگ طاهری. چاپ سوم. تهران: انتشارات طوس.
- لطفی‌زاده، سیده‌یاسمن. (۱۳۹۵). پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مطالعه تطبیقی تزئینات سپر در نگاره‌های رزمی دو شاهنامه بایسنقری و طهماسبی، دانشگاه سمنان، دانشکده هنر و معماری.
- مشتاق خراسانی، منوچهر. (۱۳۸۹). «طبقه‌بندی فولاد جوهردار براساس نسخه‌های خطی»، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۱۸، ص ۲۸۲-۲۴۳.
- محمدی، رامونا. (۱۳۶۱). تاریخ سبک‌شناسی نگارگری و نقاشی ایرانی. تهران: فارسیران.
- مجموعه مینیاتورها و صفحات مذهب شاهنامه فردوسی. نسخه دوره بایسنقری. (۱۳۷۰). تهران: سروش.
- میرجعفری، حسین. (۱۳۸۱). تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. تهران: سمت.
- ندیم، فرناز. (۱۳۸۶). «نگاهی به نقوش تزئینی در هنر ایران»،

- مجله رشد آموزش هنر، شماره ۴، صص ۱۹-۱۵.
- نوروزی طلب، علیرضا؛ افروغ، محمد. (۱۳۸۹) «بررسی فرم، تزئین و محتوا در هنر فلزکاری دوره سلجوقی و صفوی»، دو فصلنامه مطالعات هنر اسلامی، شماره ۱۲، صص ۱۱۲-۱۲۸.
 - وارد، ریچل. (۱۳۸۴). فلزکاری اسلامی. مترجم: دکتر مهناز شایسته‌فر. تهران: انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
 - هلین براند، رابرت. (۱۳۸۷). هنر و معماری اسلامی. مترجم: اردشیر اشراقی. تهران: نشر روزنه.
 - یزدی، شرف‌الدین علی. (۱۳۳۳). طفرنامه. تصحیح محمد عباسی. ج ۱. تهران: امیرکبیر.
 - Moshtagh Khorasani, Manouchehr (2009), Lexicon of Arms and Armor from Iran, London: Publishers LEGAT
 - <http://www.metmuseum.org/art/collection>.

Study on the Form, Design, and decorations of the Timurid War Weapons and its Reflection in Herat School Paintings*

Elahe Reza Nezhad¹, Seyed Mahyar SHariat Panahi²

1- M.A, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University

2- Assistant Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Mashhad Branch, Islamic Azad University (Corresponding author)

Abstract

For a long time, the industry of manufacturing war weapons has been one of the oldest arts in Iran. During the Timurid period, we are observing a kind of transformation in the construction, designs, and application in this industry are observed. The steel weapons and golden decoration have improved in this era, which is exhibited in the Timurid painting. Literally, Iranian Paintings always display different arts and craftsmanship. Hence, paintings can help us understand the characteristics of these tools of war. The method of this research is historical and in a descriptive and analytical approach. The purpose of this research has been studying the form, role, and decorations of war weapons in the Timurid period from an artistic perspective. The results of the research indicate that artists in this period have upgraded the style of the ancestors in the construction of war instruments which has led to the emergence of new forms and beautiful decorative motifs. These changes are clearly evident in Herat school painting.

Key words: Weapon, Timurid, Painting, Herat School.

1. Email: elh.rezanejad@gmail.com

2. Email: mahyar.shariatpanahi@gmail.com

*(Date Received: 2018/08/06 - Date Accepted: 2019/02/06)